



عبدالواسع غفاری

این مضمون دارای بخش های متعدد قبلی است که بعداً جهت مطالعه خواننده گان سایت به دست نشر خواهد رسید.

قانون و قانونیت در دوره حکومت وحدت ملی

(ریاست جمهوری دکتور محمد اشرف غنی و صدارت دکتور عبدالله عبدالله)

بخش دوازدهم

قسمت دوم :

نگاهی به ماهیت حقوقی توافقنامه حکومت وحدت ملی
و آیا توافقنامه مذکور جنبه تطبیقی دارد ؟

در قسمت اول این بخش توضیح نمودم که بخاطر جلوگیری از بحرانهاییکه ناشی از تقلب و جعلکاری های سازمان داده شده رئیس ویک تعداد اعضای کمیسیون انتخابات، به رهبری رئیس جمهور سابق و متحدینش سازمان داده شده بود، تا شخص مورد نظر جناب دکتور محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان گردد، به مرحله ئی رسید که طرفداران هر دوتیم در اکثر نقاط کشور تا حدودی صف آرائی نمودند، خوشبختانه یکتعداد هموطنان، مردم و وطن دوست، بامیانجیگری نماینده گان سازمان ملل متحد و دولت امریکا در حضور شخص کرزی ، توافقنامه تاریخی را (دکتور اشرف غنی و دکتور عبدالله « عبدالله ») امضا نمودند.

هرگاه متن موافقتنامه را دقیق و سطر به سطر مورد مطالعه قرار دهید، ماهیت حقوقی و قانونی بودن آن، نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان که تاحال مرعی الاجرا میباشد، کمتر به ملاحظه میرسد به دلایل ذیل:

- امضای این توافقنامه یک قرارداد بین دو شخص یا دو گروه متخاصم میباشد که ابتداء بخاطر تصاحب قدرت مرتکب اعمال خلاف قانون (تقلب و تخطی انتخابات) گردیدند، اما موفق به غصب آن نگردیدند، بعداً این توافقنامه را بخاطر تقسیم قدرت که در اکثر فقرات آن (رئیس جمهور و رئیس اجرائیه سهم مساوی دارند) تذکر داده شده، امضا نمودند. آیا این سهم مساوی طبق قانون اساسی کشور میباشد؟، آیا رعایت، تطبیق و الزامی بودن آن پیشبینی گردیده؟ لذا جانبین در عدم رعایت آن دست باز دارند. بخصوص که حدود و صلاحیت رئیس جمهور طبق متن توافقنامه مساوی نه بلکه بیشتر و وسیع تر میباشد، نه باید از تساوی صحبت کرد.

- طبق پرنسپهای حقوقی و قانونی، وظایف و صلاحیتهای رئیس جمهور، صدراعظم، وزرا و سایر ادارات در قانون اساسی و یا قوانین مربوطه آن تسجیل میگردد، نه در توافقنامه. طبق سخنان روزمره هموطنانما، آنان شرکت سهامی بدون ثبت در جریده رسمی ایجاد کردند.

- موافقتنامه با چنین مقدمه شروع شده که: (این موافقتنامه به تنهایی نمیتواند رابطه میان رئیس جمهور و رئیس اجرایی را به صورت کامل تعریف کند، بلکه این رابطه باید در نتیجه تعهد هر دو جانب به مشارکت، تعاون، همکاری و مهمتر از همه، مسوولیت پذیری در برابر مردم افغانستان تعریف گردد...). هرگاه هدف آنان بخصوص جانب منقلب، متعهد در برابر مردم افغانستان میبود، هرگز تجاوز بحقوق و آزادیهای مردم افغانستان که در مواد ۳۳ و ۶۱ قانون اساسی تسجیل یافته، و مردم در راه تحقق مواد مذکور جانهای خود و فامیلهای خویش را از دست دادند، نمیگردند.

لذا تحقق این توافقنامه نظریه خود کامه گیها، عدم توجه به حقوق و آزادیهای اتباع کشور، وضع فعلی مردم و وطن که روزانه ده ها و بعضاً صدها تبعه کشور ما جانهای خویش را از دست میدهند، محدود میباشد بخصوص عدم تفاهم و مناسبات کاری، ترجیح دادن منافع شخصی و گروهی تیمها بر منافع مردم و...، وضع کشور را بغرنج ساخته است.

- طبق همین مقدمه، رئیس جمهور و رئیس اجرایی متعهد و مکلف به کار مشترک با روحیه همکاری باهمدیگر میباشند. اما عدم معرفی وزیر دفاع، لوی سارنوال، رئیس ستره محکمه، والیان و لایات طی این مدت زمان، شکایتهای ضمنی رئیس اجرایی در طی هفته گذشته، بخصوص در دیدار با مردم و لسوالی چهاردره ولایت کندز: (از زمان تشکیل دولت وحدت ملی، تصمیم های گرفته شده که "اشتباه" بوده اند) ولی او مشخص نکرد که منظورش چه تصمیم های بوده است. به همین شکل در سفرش بولایت بلخ که ملاقات با والی و مسوولین ارگانهای امنیتی داشت، صحبتهایش بیانگر یکتازی و عدم همکاری رئیس جمهور طبق روحیه متن توافقنامه با رئیس اجرایی میباشد.

- در بخش اخیر مقدمه توافقنامه، که میتوان آرمان حکومت وحدت ملی نامید: (افغانستان در این مقطع خاص تاریخی به یک حکومت مشروع و کارا نیاز دارد تا به یک برنامه همه جانبه اصلاحات در راستای توانمند سازی مردم افغانستان متعهد باشد و در نتیجه آن ارزش های قانون اساسی در زندگی روزمره مردم افغانستان محقق گردد. همکاری واقعی سیاسی میان رئیس جمهور و رئیس اجرایی تحت قیادت رئیس جمهور، باعث تحکیم ثبات در کشور

میگردد...). اما طی بیش از ده ماه قدرت حکومت وحدت ملی بدون پا بندی به تعهدات متن موافقتنامه و تصمیمگیری مشترک، (غفلت و عدم توافق بین همدیگر) **علیه آرمانهای مردم افغانستان** که تامین صلح، ثبات، امنیت، حاکمیت قانون، عدالت، رشد اقتصادی و عرضه خدمات، توجه به زنان، جوانان، علمای کرام و اشخاص آسیب پذیر، عمل نمودند، ادامه اختلافات شان (در عقب پرده دستهای برای تقویه طالبان و سایر سازمانهاییکه علیه منافع مردم و بد نامی اسلام فعالیت دارند)، باعث قتل و کشتار هزاران هموطن عزیز ما بشمول قوای امنیتی (فرزندان دلیر و قهرمان کشور)، سقوط پی در پی ولسوالیها و شهرها گردید. مسئول این همه بدبختیها بدرجه اول، بدوش رهبران خود خواه دولت میباشد، بعداً میتوان بار مسئولیت را بدوش دیگران انداخت. هرگاه امضا کننده گان توافقنامه ترحم به حال ملت بیچاره افغان داشته باشند که:

- سالانه ۴۵ فیصد کودکان زیر سن پنج سال به دلیل تغذیه ناسالم و ابتلا به بیماریهای معمولی جان می دهند. - مشغولیت هزاران طفل به کارهای شاقه. - معتاد شدن اطفال به مواد مخدره، بخصوص در حدود یک میلیون فامیل معتاد. - محروم بودن در حدود سه میلیون کودک از فراگیری تحصیل نسبت نا امنی در کشور. - خشونت های مسلحانه و خانوادگی از دیگر مشکلاتی کودکان افغان میباشد.

- خشونت علیه زنان، تجاوز، سلب حقوق و آزادیهای آنان. - بلند رفتن روز افزون سطح بیکاری و ازدیاد فقر در جامعه، یکی از عوامل پیوستن قشر بیکار با نظر داشت تبلیغات روحانیون فروخته شده به گروه های تروریستی شده و میشود. - صعود قیم مواد غذایی ودها مشکلات مردم.

گرچه رئیس جمهور سالهای مدیدی است که در ارگانهای دولتی، تاحدودی نقش کلیدی و به اصطلاح بازو و مشاور خوب کرزی بود، از معضلات ملت مظلوم افغانستان آگاه میباشد، اما طی ده ماه به اصطلاح حکومت خود کامه، با آنکه در رشته انسان شناسی دکتورا دارد، در زمینه رفع معضلات مردم گامهای عملی نبرداشت، صرف از نظریه پردازی با بیانات پر شور و احساساتی اکتفا مینماید. امید داریم تا یکجا با همکاری رئیس اجرائیه بتواند گامهای عملی برداشته و مرهمی بر زخمهای مردم عذاب دیده کشور بگذارند.

طبق فقره اول توافقنامه باید لویه جرگه بمنظور تعدیل قانون اساسی (تأیست صدر اعظم اجرایی را مورد مذاقه قرار دهد) دایر گردد. **هدف از مذاقه چیست؟** هرگاه همان رئیس کمیسیون انتخابات و بعضی اعضای آن، انتخابات لویه جرگه را چنان سازماندهی نمایند که پست صدر اعظم را در تعدیل قانون اساسی تصویب نکنند، آیا کدام توافقنامه جدید به امضا خواهد رسید؟ چنین استنباط میگردد که هدف از توافقنامه، فریب دادن طرف مقابل بود.

- علوتاً باید انتخابات پارلمانی ۱۳۹۴ صورت میگرفت. طبق ماده ۸۳ قانون اساسی از تاریخ اول سرطان، اعضای جدید شورای ملی بکار خود شروع میکردند، فعلاً ادامه کار شورای ملی خلاف قانون میباشد. و طبق ماده ۶۴ قانون اساسی که وظایف و صلاحیتهای رئیس جمهور در آن تسجیل یافته، اجازه تمدید کار اعضای شورای ملی از حیثه صلاحیت رئیس جمهور نمی باشد. اما ریاست جمهوری افغانستان بتاريخ ۲۹ جوزا ۱۳۹۴ اعلامیه را صادر نمود که: تصمیم به ادامه کار مجلس نمایندگان تا زمان اعلام نتایج انتخابات دور بعدی، با تاسی از احکام صریح قانون اساسی مبنی بر فعالیت مستمر قوای ثلاثه، تداوم قانونگذاری و اعمال حاکمیت از سوی نهادهای سیاسی تعریف شده...). اما صرف طبق ماده ۱۴۷ قانون

اساسی درحالت اضطرار میتواند دروه تقنینی الی اجرای انتخابات جدید ملتوی شود. وحالت اضطرار در ماده ۱۴۳ قانون اساسی توضیح شده است، که با شرایط فعلی تطابق ندارد. مثال دیگر غفلت دولت، دایر نکردن انتخابات میباشد.

- طبق توافقنامه حکومت وحدت ملی متعهد گردید تا روند توزیع شناسنامه الکترونیکی/ کامپیوتری را برای تمام شهروندان کشور در کمترین زمان ممکن تکمیل کند. اما کار توزیع آن به تعویق افتاد و حدود ۸۰۰ کارمند آن بیکار شدند، آقای نصیر احمد امین رئیس عملیاتی اداره تذکره های الکترونیکی گفت که: کشور های کمک کننده اعطای پول کمکی به اداره توزیع تذکره های الکترونیکی راقطع کردند. اداره توسعه یی ایالات متحده امریکا "یواس آی دی" واتحادیه اروپا از منابع تمویل کمک کننده پروژه توزیع تذکره هستند. بدلیل اینکه حکومت وحدت ملی در توزیع تذکره های الکترونیکی سهل انگاری کرد. باید رئیس جمهوری در زمینه فرمان صادر میکرد. امید داریم تا زیر کاسه به ارتباط توزیع تذکره به طالبان پاکستانی، نیم کاسه نباشد.

طبق توافقنامه رئیس اجرایی حکومت، با وظایف صدر اعظم اجرایی بر اساس پیشنهاد کاندیدای دوم و موافقت رئیس جمهور تعیین می گردد. رییس اجرایی به رئیس جمهور پاسخگو است. در این متن اولاً هدف از کاندیدای دوم صراحت ندارد. وثانیاً فقرات چهارده گانه این ماده اکثر ادر مغایرت با ۶ / ۶۴ / ۷۱ / ۷۷ و سایر مواد قانون اساسی کشور میباشد. - به ارتباط تعیین مقامات عالی رتبه در توافقنامه باید متذکر شد که فقرات ۱۱ الی ۱۵ ماده ۶۴ قانون اساسی صراحت دارد.

- هدف از ایجاد پست مقام رهبری تیم دوم صراحت چیست؟ هرگاه اعضای رهبری تیم دوم اتباع افغانستان باشد، قانون اساسی و سایر قوانین در زمینه تقرر اتباع کشور صراحت دارد. - در رابطه با تطبیق و الزامی بودن توافقنامه، چنین آمده است: (تفاوت دیدگاه و اختلاف در مورد تعبیر یا تعمیم این موافقتنامه با مشورت جانبین حل میگردد). طی ده ماه گذشته نشان داد که تفاوت دیدگاه و عدم موافقه هر دو تیم، باعث کشتار هموطنانما و ویرانی کشور شده و میشود.

بانظر داشت اینکه انتقاد کار ساده است و بصورت عموم جز خصلت اکثریت هموطنان عزیز ما بخصوص آنانیکه در خارج کشور زیست مینمایند، گردیده است. هرگاه انتقاد سالم و سازنده جهت اصلاح و افشای تخلفات و جنایات باشد، آن منتقد وطن و مردم دوست، وظیفه وجدانی، اخلاقی و انسانی خود را در مقابل مردم و میهن خویش انجام میدهد.

با این روحیه، نگاهی مختصر به عملکردهای رئیس جمهور و رئیس اجرایی به اندازیم:
- سفر حج رئیس جمهور با بیش از هفتاد نفر همراگان دوران کارزار انتخاباتی (به اعتقاد اینکه طی آن مدت به اثر پایمال نمودن حقوق اتباع کشور، تقلب و جعلکاری مرتکب گناهان شده اند، با این حج گناهان شان بخشیده خواهد شد)، در حالیکه مرتکب گناه کبیره دیگر، یعنی مصارف اضافی پول بیت المال در شرایطیکه اکثر مردم در فقر زنده گی مینمایند، گردیدند.
- امضای توافقنامه امنیتی با امریکا.

- بررسی قضیه کابل بانک.

- سفرهای متعدد به کشورهای مختلف از جمله پاکستان.

- تماسها بخاطر ایجاد صلح با طالبان.

- تعهدات شفاهی به ارتباط بهتر شدن وضع اطفال، جوانان، زنان، معلمان، قوای امنیتی و بعضی برخوردارهای احساساتی و آنی، طور مثال با وارد شدن اتهام فساد در سطوح پائین دولت (سطح ولسوالیها) بدون بررسی قضیه، شخص مورد اتهام را برطرف و عوض اش شخص دیگر را مقرر نمینماید، در حالیکه ده ها کادر سطوح بالائی دولت متهم به فساد اداری است، سوابق ماموریت و زراندوزی آنان ثبوت خوب برای بررسی جنایات شان و عزل شان از مقامات دولتی که فساد اداری را بیشتر مینمایند، میباشد، تاحال بوظایف و چپاول خویش ادامه میدهند.

- دایر نمودن جلسات متعدد و متنوع جهت پایه گذاری سیستم جدید حکومت وحدت ملی.

- صدور هدایات بی نتیجه جهت بررسی جنایات و کشتار هموطنان ما در مرکز و ولایات، دلیل عمده بی نتیجه بودن آن نبود ارگان قوی نظارت و تطبیق کننده قانون (لوی سارنوال و قاضی القضاة پاک، مسلکی و قاطع)، تا قضا یا را با قاطیعت و در زمان معین بررسی قانونی نمایند. یکی از تحلیلگران بین المللی به این باور است که: آقای غنی و آقای عبدالله با این مرغابی لنگ کابینه و نهاد های ضعیف، ظرفیت جاری حکومت برای پیاده ساختن اصلاحات بزرگ باموانع روبه رو میباشد. همچنان پیروان هر دو جناح که در انتخابات از آنها حمایت کرده اند، یک سلسله پاداشها انتظار دارند که دست یافتن به چنین پاداش هایی در یک توافق دوجانبه متوازن دشواری باشد. اساساً با تقسیم حکومت به دو جناح، هیچیک از این دوسیاستمدار نمیتواند و عده هایش را عملی گرداند.

موصوف می افزاید که طغیان رویداد های امنیتی اخیر بیانگر عدم توجه به وزارت خانه های امنیتی، در دفاع از امنیت مردم و دفاع کشور عملیات نظامی را فرماندهی نماید. بانظر داشت توضیحات فوق بدین نتیجه میرسیم که نه تنها توافقنامه حکومت وحدت ملی با قانون اساسی کشور مطابقت ندارد، بلکه بشکل سازماندهی شده در جهت اغفال جانب مقابل به امضا رسیده است. با آنهم اگر در تحقق این توافقنامه اقدام عملی با روحیه ملی (بدون تفوق یک ملیت، یا لسان بر دیگر) به موقع، بدون ضیاء وقت و دادن فرصت به طالبان و سایر گروه های تروریستی و ضد ملی، صورت گیرد، امکان بهتر شدن وضع مردم و کشور میرود.

ادامه دارد ...

با احترام عبدالواسع غفاری

<http://hoqooq.eu>